

نشانه‌شناسی عنوان مثنوی‌های عطار نیشابوری

پروین مرتضایی*

چکیده

نشانه‌شناسی علم مطالعه انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرایند تولید معنا و تعبیر آن‌ها و قواعد حاکم بر نشانه‌هاست. یکی از حوزه‌های نشانه‌شناسی، عنوان اثر است. عنوان در آثار عرفانی عطار از جمله *منطق‌الطیر*، *مصیبت‌نامه*، *اسرارنامه* و *الهی‌نامه* نشانه‌ای است که معناهای ضمنی فراوانی در بطن خود دارد. در این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی، نشانه‌شناسی عنوان در آثار عطار، ویژگی‌های عنوان از لحاظ معنا و کارکردهای آن مورد بررسی قرار گرفت تا دلالت‌های ضمنی آن‌ها آشکار شود. هدف از این پژوهش کشف روش‌های به کاررفته در گزینش عنوان و نوع رابطه عنوان با متن و تحلیل نشانه‌های موجود در متن و نوع رابطه آن‌ها با عنوان است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده به کارگیری دو روش بینامتنیت و نمادپردازی در گزینش عنوان است. بررسی نشانه‌شناسی متن اثر نیز نشان می‌دهد که عناوین به مثابه متنی موازی با متن اصلی قرار گرفته و در شخصیت‌پردازی و معرفی موضوع و محتوا وارد شده و با هدف معناافزایی و تکمیل معناهای متن حرکت کرده و به واسطه محور جانشینی به وسیله نشانه‌های موجود در متن تقویت شده است. بررسی نشانه‌ها در محور هم‌نشینی نشان می‌دهد که معناها در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و به تولید معناهای مورد نظر شاعر انجامیده است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** عطار نیشابوری، *اسرارنامه*، *الهی‌نامه*، *مصیبت‌نامه*، *منطق‌الطیر*، نشانه‌شناسی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران / parvin.mortazaie@eghlid.ac.ir

۱. مقدمه

عنوان هر اثر، آستانه ورود به آن اثر است و در ارتباط تنگاتنگ با متن قرار دارد. اولین پل ارتباطی مخاطب با اثر، عنوان است و با مطالعه عنوان اثر، دلالت‌های ضمنی و معناهای نهفته در متن آشکار می‌شود. اهمیت عنوان تا جایی است که علمی با نام عنوان‌شناسی وجود دارد. لیوهوک، واضع علم عنوان‌شناسی، عنوان را مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی معرفی می‌کند که به محتوای کلی متن اشاره دارد (Leo, 1981: 5). بررسی یک عنوان از لحاظ واژه‌شناسی و کارکردهای ضمنی آن در علم نشانه‌شناسی مهم جلوه می‌کند؛ زیرا با اشراف بر معنای موجود در عنوان، نوع رابطه با متن روشن می‌شود. گاه عنوان در خوانش یک متن معناافزایی می‌کند و گاه به موازات متن حرکت کرده و به تزیین متن می‌پردازد و گاه تکمیل‌کننده متن است. با توجه به اهمیت عنوان در علم نشانه‌شناسی و اعتبار آن در خوانش متن، در این پژوهش به بررسی نشانه‌شناسی عنوان آثار عرفانی عطار پرداخته شده است. در مثنوی‌های عطار از جمله *منطق‌الطیر*، *مصیبت‌نامه*، *اسرارنامه* و *الهی‌نامه*، عنوان دارای اشاره‌های پنهان به معانی گوناگون است. عنوان *منطق‌الطیر* برگرفته از قرآن است و این ارتباط بینامتنیت با قرآن، هم تقدس و ارزش‌زایی در عنوان کرده و هم کدواژه‌ای است که در ساختار خود، معناهای دیگری را ایجاد کرده و در متن گسترش داده است. با خوانش اولیه عنوان، دورنمایی از شخصیت‌ها در قالب نشانه ترسیم می‌شود و با موشکافی در ساختار عنوان *منطق‌الطیر*، محتوای متن بهتر بروز می‌کند. واژه منطق، نشانه‌ای (دالی) است که با واژه‌های سخن، کلام، خردورزی و پویایی، وجه اشتراکی دارند. طیر نیز واژه‌هایی از قبیل پرواز، پرنده، پریدن، مرغان را به ذهن متبادر می‌کند؛ این دو واژه در ترکیب با هم، عنوان زبان پرندگان را ایجاد کرده که برگرفته از قرآن است.

مصیبت‌نامه نیز در ساختار خود، دارای غم و اندوهی پایدار است که با نشانه‌شناسی این عنوان، ارتباط آن با عناصر درون‌متنی نمودار می‌شود و نقش معناافزایی و

تکمیل‌کننده آن به اثبات می‌رسد. مصیبت‌نامه پیامی است که زنجیره‌ای از معانی گوناگون را به دنبال دارد. مخاطب در برخورد با این عنوان، مشتاق کشف ابهام ایجادشده در آن می‌شود. تأثیر ذهنیت عرفانی عطار و اندیشه‌های مذهبی وی در انتخاب این عناوین انکارناپذیر است.

در *اسرارنامه* نیز معانی ضمنی و دلالت‌های پنهانی است که با بررسی نشانه‌های موجود در متن می‌توان بدان رسید و ارتباط آن را با عنوان دریافت کرد. در *الهی‌نامه* نیز فرای معانی ظاهری عنوان، با رویکرد به متن، گستره‌ای از معانی کشف می‌شود و ارتباط عنوان با مضامین، محتوا و دیگر عناصر درونی روشن می‌شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به جایگاه عظیم عطار در شعر عرفانی، پژوهش‌های فراوانی با رویکرد علم نشانه‌شناسی انجام شده، اما در هیچ‌کدام به نشانه‌شناسی عنوان در مثنوی‌های عطار پرداخته نشده است. البته در مقالاتی چند، به نشانه‌شناسی متن آثار پرداخته شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «نقد نشانه معناشناسی داستان شیخ صنعان در منطق‌الطیر عطار» (طایفی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶)؛ نویسندگان آن به این نتیجه رسیده‌اند که عطار با تغییر شیوه خود و با استفاده از برنامه‌ای ازپیش‌تعیین‌شده، در پایان حکایت به نتایج دلخواه و مطلوب خود می‌رسد. در این مقاله، انواع گفتمان هوشمند و تنش‌عاطفی و مشیت الهی مطرح شده و وضعیت نامساعد اولیه حکایت به شرایط مطلوب رسیده و سیر تکاملی را پیموده است.

- «بررسی سطوح معنایی نشانه‌ها در منطق‌الطیر عطار با رویکرد به نشانه‌شناسی» (اکبرپور، ۱۳۹۴)؛ نویسنده آن به بررسی نشانه‌های متن *منطق‌الطیر* پرداخته و معانی پنهان را کشف کرده است.

- «کارکرد روایی نشانه‌ها در حکایت رابعه از الهی‌نامه عطار» (بتلاب اکبرآبادی و رضی)؛ نویسندگان به بررسی ساختار روایت در حکایت رابعه پرداخته‌اند. در این

پژوهش، انواع نشانه‌های حکایت از لحاظ ساختاری تحت نظام عرفان به معنای تکاملی خود می‌رسند.

- «بوطیقای عنوان‌شناسی نوشته‌های تصوف از آغاز تا سده هشتم هجری» (ایمانیان، ۱۳۹۲)؛ نویسنده آن به بررسی فرمی عنوان‌های آثار عرفانی فارسی و عربی پرداخته و سبک و ساختار شکلی این عنوان‌ها را در آن بررسی کرده است.

- «عنوان‌شناسی در داستان‌های گلی ترقی و زویا پیرزاد» (رشت‌بهشت، ۱۳۹۵)؛ نویسنده آن عنوان‌های داستانی گلی ترقی و زویا پیرزاد را از لحاظ نوع ادبی و میزان زیبایی و مهارت نویسندگان این آثار بررسی کرده است.

- «عنوان‌شناسی تطبیقی نام سروده‌های دو مجموعه زمستان اخوان و المجد الاطفال و الزيتون البیاتی از منظر مکتب رمانتیسیم» (ولی‌نیا و بهنام‌فر، ۱۳۹۶)؛ نویسندگان آن مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیم در نام سروده‌های این دو شاعر را تحلیل و موشکافی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اخوان شاعری ملی‌گراست.

اما نشانه‌شناسی عنوان مثنوی‌های عطار در هیچ پژوهشی به انجام نرسیده و بررسی وجوه دلالتی عنوان‌های مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، اسرارنامه و الهی‌نامه، نخستین بار در این جستار مطرح شده است. در این پژوهش، پیوند میان عنوان و عناصر درون‌متنی اثر بررسی و ظرافت‌های معنایی نشانه‌ها با تأمل در عنوان پررنگ شده است.

۲-۱. روش پژوهش

موضوع پژوهش، نشانه‌شناسی عنوان در آثار عطار است و مهم‌ترین اهداف آن، کشف روش‌های به‌کارگیری عنوان، بررسی نوع رابطه عنوان با متن و تحلیل نشانه‌های موجود در متن و نوع رابطه آن‌ها با متن است تا بتوان به پاسخ پرسش‌های زیر رسید:

الف. عطار در انتخاب عنوان‌های آثار خود از چه شیوه‌هایی بهره برده است؟

ب. نوع رابطه عنوان با متن چگونه است؟

ج. کدام نشانه‌ها در متن، سبب تقویت عنوان می‌شود؟

د. کارکرد عنوان در متن چیست؟

۲. چهارچوب نظری

۱-۲. نشانه‌شناسی

نشانه چیزی است که نماینده چیز دیگری غیر از خودش باشد (نجفی، ۱۳۷۱: ۱۷)؛ به تعریف دیگر، نشانه هر آن چیزی است که به لحاظ دلالتی بتواند جایگزین چیز دیگری شود (Eco, 1976: 7) و نشانه‌شناسی دانشی است که با هر چیزی که بتوان آن را نشانه شناخت، سروکار دارد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۲). به بیانی دیگر، نشانه‌شناسی تلاشی فرازبانی است که زبان مبهم و متناقض را به صورت معقول و روشن توصیف می‌کند (کالر، ۱۳۸۸: ۹۹) و به مطالعه مواردی می‌پردازد که در ایجاد یا تأویل نشانه یا در فرایند دلالت سهیم هستند (دینه سن، ۱۳۸۰: ۷).

دانش نشانه‌شناسی را نخستین بار فردینان دوسوسور، زبان‌شناس سوئیسی، مطرح کرد. مهم‌ترین مسئله نشانه‌شناختی که به وسیله سوسور مطرح شده، موضوع دال و مدلول و ارتباط میان آن دو است. فردینان دوسوسور نشانه زبانی را متشکل از یک دال (تصور صوتی) و یک مدلول (تصور مفهومی) می‌داند و رابطه بین این دو را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد، دلالت می‌نامد (دوسوسور، ۱۳۷۸: ۱۷۳). دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و به عبارت دیگر، کلمات و اصواتی است که بر زبان جاری می‌شود و مدلول مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد؛ به تعبیر دیگر، معنا و مفهومی است که مخاطب از الفاظ گوینده ادراک می‌کند (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱). از نظر سوسور، دال و مدلول وحدت دوسویه دارد و این وحدت دوگانه با وحدت روح و بدن انسان مقایسه می‌شود (حقیقی، ۱۳۸۴: ۲۷۵).

نشانه یا دال هم می‌تواند تک‌معنایی باشد و هم چند معنا در برداشته باشد. این معناهای گوناگون را مخاطب در تأویل خود، یعنی در ارتباط دادن مدلول به سخن خلق می‌کند (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۳۰).

سوسور بر این باور است که «ما معمولاً برای بیان منظور خود، از نشانه‌های زبانی منفرد استفاده نمی‌کنیم بلکه گروهی از نشانه‌ها را به کار می‌بریم.» (به نقل از چندلر،

۱۳۸۷: ۱۳۴) الگوی نشانه‌شناسی سوسور، نشانه‌های زبانی را در بر می‌گیرد. به موازات نشانه‌های زبانی، نشانه‌های ادبی متن، اهمیت و کاربرد گسترده‌تری می‌یابد. تفاوت این دو گونه آن است که در نشانه زبانی، معنای قاموسی واژه مدنظر است اما در نشانه ادبی، ماورای لفظ بررسی می‌شود (عامری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۷). هدف نشانه‌شناسی ادبی، کشف ارتباط میان نویسنده، متن و خواننده است (احمدی، ۱۳۸۰: ۶).

چندلر در کتاب *مبانی نشانه‌شناسی*، بر این باور است که نشانه‌ها می‌توانند به شکل کلمات، اصوات، اطوار و اشیاء ظاهر شوند (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲)؛ با توجه به این رویکرد، نشانه‌ها جهان پیرامون ما را فراگرفته‌اند. بنابراین مفهوم نشانه از آن چیزی که سوسور در نظر داشت، فراتر رفته و همه جلوه‌های زندگی بشر قابلیت نشانگی یافته‌اند و دامنه دانش نشانه‌شناسی تمامی نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی از قبیل واژه، تصویر، ایما، اشاره و... را در بر می‌گیرد (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). به موازات سوسور، پیرس نیز مطالعات خود را بر روی نشانه‌ها پی گرفت؛ اگرچه تفاوت‌هایی در دیدگاه این دو نظریه‌پرداز وجود دارد، هر دو پذیرفته‌اند که نشانه چیزی است که به جای چیز دیگر می‌نشیند. سوسور رویکردی زبان‌شناسیک به نشانه‌شناسی دارد اما نگاه پیرس فلسفی است. پیرس نشانه‌ها را به سه وجه دسته‌بندی کرده است (همان: ۶۶-۶۷):

۱. وجه نمادین: نشانه‌هایی که بر اساس قرارداد به مصداقش مربوط می‌شود و هیچ شباهت یا رابطه طبیعی بین دال با مصداقش وجود ندارد. فهم این گونه نشانه‌ها وابسته به پیش‌فرض‌هایی است که در نشانه‌ها قرار داده شده است.

۲. وجه شمایی: در این نشانه‌ها، ارتباط بین دال و مصداقش بر پایه شباهت واقع شده است.

۳. وجه نمایه‌ای: در آن، بین دال با مصداقش رابطه علی یا طبیعی یا مادی برقرار است. البته یک نشانه ممکن است جوهری از هر سه گونه را در خود داشته باشد. وجوه نشانه‌ها الزاماً بیانگر انواع نشانه نیستند، اما مطرح کردن این تقسیم‌بندی تا

حدودی سبب تشخیص و تمیز بین انواع نشانه‌ها می‌شود.

در نشانه‌شناسی ادبی، خوانش متن با هدف شناخت نشانه‌ها انجام می‌شود و تلاش مخاطب به تحلیل نشانه‌ها منجر می‌شود. در متن ادبی، لایه دوم زبان اهمیت می‌یابد؛ چون در این سطح دوم از زبان است که معانی جدید در پرتو دلالت‌های قراردادی و ضمنی ایجاد می‌شود. با پذیرش این رویکرد، عنوان مثنوی‌های عطار نیز در حکم نشانه‌های یک متن ادبی، گستره‌ای از اندیشه‌های معنوی و عرفانی عطار را نمودار می‌کند. اگر بخواهیم نشانه ادبی عنوان را در تقسیم‌بندی سه‌گانه پیرس بگنجانیم، باید آن را در دو گونه نمایه‌ای و شمایی قرار دهیم؛ زیرا بین دال و مدلول‌های آن رابطه ضروری وجود دارد و گاه شباهت‌هایی نیز دریافت می‌شود؛ البته مجاورت و ملازمت میان عناصر درون‌متنی با عنوان نیز تا حدودی مخاطب را به درک مدلول می‌رساند. در این الگو، عنوان به مثابه نشانه‌ای رمزآلود به دنیای ذهن مخاطب ورود کرده و الوانی از معانی را ایجاد کرده و به متن هویت می‌بخشد و ساختار متن را نظام‌مند می‌کند.

۲-۲. عنوان، متن، نشانه

واژه عنوان در لغت به معنای «نام»، «نشانی»، «رمز» و «نشان» است و در اصطلاح نشانه‌شناسی، نظامی دارای ابعاد گسترده معانی است که مخاطب را به کشف آن معانی وادار می‌کند (به نقل از نعمتی قزوینی، ۱۳۹۸: ۱۰۹) و در شکل نظام‌های دلالتی و نشانه‌شناسی، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و ایدئولوژی را با خود منتقل می‌کند (به نقل از آذرشب، ۱۳۹۶: ۶). عنوان، نشانه‌ای است که بالاتر از متن قرار دارد و نام‌گذاری متن، چهارچوب‌دار کردن متن و تشویق مخاطب به خوانش متن، از اهداف عنوان است؛ بنابراین عنوان دارای یک ساختار عام است که قابلیت تفسیر، تحلیل، فهم و تشخیص را دارد (العبيدی، ۲۰۰۹: ۶۳). عنوان مثنوی‌های عطار نیز به مثابه نظامی از نشانه‌های ادبی، نمایه‌ای و شمایی تفسیرپذیر بوده و برداشت معانی بکر را امکان‌پذیر می‌کند. با این فرض، عنوان مثنوی‌های عطار دال‌هایی هستند که مرجع آن‌ها در متن قرار دارد و کشف و تفسیر این دال‌ها هدف این جستار است.

۳. عنوان شخصی و ابداعی، عنوان بینامتنیت

عنوان در مثنوی‌های عطار به دو شکل شخصی و ابداعی و بینامتنیت ارائه شده است. منطق‌الطیر ریشه در متن قرآن کریم دارد و مشابهاتی بین عناصر عنوان منطق‌الطیر عطار با دیگر متون عرفانی از جمله رسالة‌الطیر ابن سینا، رسالة‌الطیر غزالی و رسالة‌الطیور نجم‌الدین رازی وجود دارد. منطق‌الطیر عنوانی همگانی و مرسوم است و حاصل تلاشی بینامتنی است و برگرفته از قرآن و متن‌های قبل از خود است؛ چنان‌که مصیبت‌نامه، اسرارنامه و الهی‌نامه ابداع شخصی عطار است و نمایش آنچه در اندیشه و افکار عطار می‌گذرد، بر پرده این نام‌ها نمود یافته است. بنابراین در بررسی عنوان‌های انتخابی عطار برای مثنوی‌های چهارگانه، هر دو گونه عنوان را می‌توان ملاحظه کرد. در بخش آخر پژوهش، عنوان چهار اثر عرفانی عطار بررسی شده است.

۴. تحلیل نشانه‌شناسی عنوان منطق‌الطیر

عطار در انتخاب عنوان منطق‌الطیر، از روش بینامتنی قرآن و فراخواندن میراث فرهنگی و مذهبی بهره برده است. این عنوان برگرفته از آیه شانزدهم سوره نمل است: «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مَن كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ». شاعر در این عنوان، با قرآن ارتباط بینامتنی برقرار کرده و از این ترکیب قرآنی، برای بیان مفاهیم و تصویرهای ذهنی خود کمک گرفته است.

منطق در معنای زبان و گویایی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها از قبیل نطق، گویایی، سخن‌وری، خطبه، کلام، عقل، خردورزی را در خود دارد که کاربرد آن به‌تنهایی مبهم و ناخواناست، اما شاعر با آوردن واژه طیر، آن را محصور کرده و دایره دلالت‌ها را تا حدودی کوتاه‌تر کرده است. پرنده، معنای پرواز، رهایی، آزادی، رستن از بند و سفر را گسترش می‌دهد؛ این رهایی و آزادی در کنار منطق به‌زیبایی، اوج رستن از آنچه را شاعر به‌دنبال آن است، تبلیغ می‌کند: رهایی از بند نفس، آزادی از قفس تن و دور شدن از نفسانیات دنیوی.

در این گفتار، شاعر بر ارزش و اعتبار زبان، نطق و گفت‌وگو تأکید کرده و این معنا

را آفریده که زبان می‌تواند رهایی‌آفرین و آزادی‌پرور باشد؛ زیرا با شیوه گفت‌وگو بین هدهد و پرندگان، هدف نهایی عطار محقق می‌شود. این محتوا، ارتباط مستقیم با موضوع منطق‌الطیر و سفر گروهی پرندگان در رسیدن به سیمرغ دارد، پس عنوان در معنا افزایی متن به مثابه نشانه‌ای زیرین عمل کرده است.

از دیگر سو، عنوان منطق‌الطیر تصویری گذرا از شخصیت‌های متن را در نظرگاه مخاطب می‌نشانند و دورنمایی از ویژگی‌های شخصیت‌ها، از جمله گروهی بودن و نوع آن‌ها را که پرنده هستند و دارای نطق و زبان، نشان می‌دهد. سخن گفتن شخصیت‌ها به آن‌ها ویژگی خاص بودن بخشیده است؛ زیرا هر پرنده‌ای سخن نمی‌گوید. اولین شخصیتی که با خوانش عنوان با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، هدهد، سفیر حضرت سلیمان است. هدهد از کلمه هدایت گرفته شده و عطار با این گزینش، ریزشی از معانی بکر را در فضای اثر ایجاد می‌کند. شیوه گفتمان هدهد که در واقع خود عطار است، نوع واژگان کاربردی، نگاه از روبه‌رو نه بالا به شخصیت‌های دیگر، مدلول‌هایی است که در لایه‌های زیرین عنوان نهفته است. بنابراین در عنوان، تصویری کلی از هدهد و ویژگی‌های او ارائه می‌شود؛ صاحب سر و مقرب بارگاه سلیمان بودن، گفت‌وگوی با سلیمان، سخن‌گویی و سخن‌پروری، هدایتگری، ارشاد، روشنگری و پیک هر وادی بودن، از صفات نیکوی هدهد در منطق‌الطیر عطار است.

مرحبا ای هدهد هادی شده	در حقیقت پیک هر وادی شده
ای به سرحد سبا سیر تو خوش	با سلیمان منطق‌الطیر تو خوش
صاحب سر سلیمان آمدی	از تفاخر تاج‌ور زان آمدی

(عطار، ۱۳۹۵: ۲۵۹)

هدهد در این اثر، لحنی صمیمی و فاخر دارد و مانند یک پیر، بدون هیچ‌گونه تعصب و خشک‌مغزی و با ملاطفت و مهربانی، دیگر پرندگان را ترغیب به سفر عشق می‌کند.

آنکه بسم الله در منقار یافت دور نبود گر بسی اسرار یافت

چون منم مشغول درد پادشاه هرگز دم دردی نباشد از سپاه
(همان: ۲۶۳)

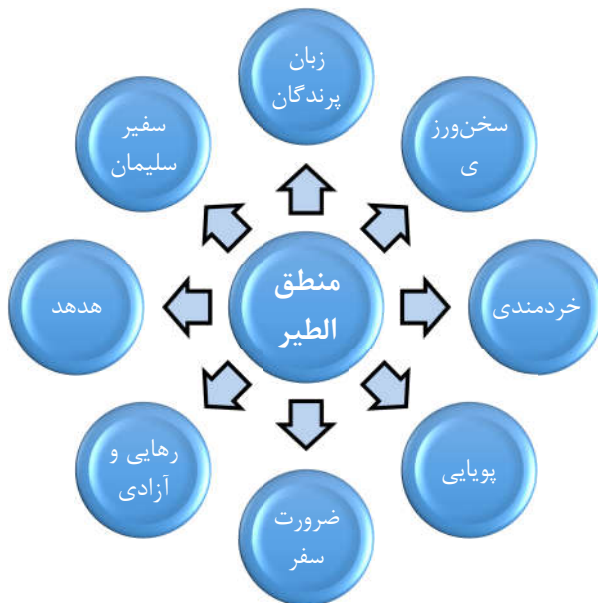
واژه طیر در عنوان، اگرچه در نگاه اول، شخصیت هدهد را که شخصیتی قرآنی است به ذهن متبادر می‌کند، با بررسی نشانه‌های موجود در متن، این معنا در عنوان تقویت می‌شود که ۲۹ شخصیت پویای دیگر نیز در روایت حضور فعال دارند؛ بنابراین سی شخصیت پرنده در لایه‌های پنهان عنوان جایگزین شده‌اند. سی مرغ، نماد انسان‌های سالک مسلک هستند. ویژگی گویایی و نطق که در عنوان بارز است، نوع شخصیت‌ها را که پویا و فعال هستند، نشان داده و گویای تحول و دگرگونی در وجود پرندگان است. از دیگر سو، نشانه منطق بر این نکته تأکید می‌کند که هدهد در رسیدن به هدف خود و همراه کردن ۲۹ پرنده موفق بوده و برجستگی شخصیت هدهد، در عنوان نهاده می‌شود.

با بررسی نشانه‌های متن، می‌توان به دلالت‌های معنایی عنوان رسید. دال‌های به‌کاررفته در متن، به معنایی از قبیل وحدت وجود، رهایی از نفس، پیمودن گردنه‌های دشوار، ضرورت سفر در عرفان اشاره دارد و این معانی که در واقع محتوای اثر را شکل می‌دهد، در عنوان تقویت می‌شود. درون متن، سی پرنده که نماد سالکان است، گفتمان رمزآلود آن‌ها که هرکدام نماینده یک طبقه از مردم اجتماع هستند، استدلال‌های عرفانی هدهد که خود پیر راه است و در محور همنشینی معنای وحدت وجود و ریاضت کشیدن و مبارزه با نفس را مطرح می‌کند، همه نشانه‌هایی است که حول محور عنوان سیر کرده و اعتبار آن را افزون‌تر می‌کند.

ارتباط عنوان با متن، ارتباطی موازی است که در تمام طول اثر تلاش می‌شود با دلالت‌های خود، مدلول‌های جذابی را ایجاد کند، اما با توجه به اینکه شاعر در پی ایجاد تمرکز بر اهمیت روح در عرفان است و از دیگر سو، پرنده نماد روح قرار گرفته، فن معنا‌افزایی را نیز می‌توان در عنوان مشاهده کرد.

موضوع منطق/طیر عطار بیان سفر معنوی انسان و رسیدن به حقیقت مطلق است.

زبان پرندگان که ترجمه عنوان است، نظر به موضوع داشته و زبان پرندگان نشانه‌ای پرمایه است که به شیوه‌ای معماگونه موضع عرفانی متن را ترسیم می‌کند.



شکل ۱: دال و مدلول‌های عنوان منطق الطیر

۵. تحلیل نشانه‌شناسی عنوان مصیبت‌نامه

عنوان مصیبت‌نامه از دو واژه مصیبت و نامه تشکیل شده است. واژه مصیبت، معانی غم، اندوه، اشک، آه، ناله، فراق، سختی، شکوه و بی‌قراری و اضطراب را به دنبال دارد. نامه نیز دالی است که معناهای پیغام، پیک، خبر، قاصد و شرح احوال، نامه مکتوب، مراسله و رقعہ را به وجود می‌آورد. رقعہ‌ای که لبریز از غم، اندوه، فراق و سختی است، در تابلو اثر نشسته است. این دال، خلاصه‌ای از ناگفته‌هایی است که در متن اثر نهفته و اشتیاق مخاطب را برای خوانش محتوای نامه بیشتر می‌کند.

عطار علاقه ویژه‌ای به واژه نامه دارد؛ چنان‌که در سه عنوان از چهار مثنوی خود، این واژه را تکرار کرده تا بر اهمیت و ارزش محتوای آثار پیردازد و از دیگر سو امتداد، ارتباط و اشتراک مضامین را در هر سه اثر عرفانی‌اش یادآور شود. مرقومه عطار برگرفته از ذهن وقاد و عارف مسلک اوست و نکات عرفانی، اخلاقی و حکمی را بازگو می‌کند.

روایت مصیبت‌نامه، طیّ طریق سالک فکرت است که در قالب چهل مقاله، حوادث و رویدادهای سفر معنوی وی بیان می‌شود. سالک فکرت، سفر خود را از عالم علوی و فرشتگان شروع می‌کند و به عناصر اربعه، انبیا و پیامبران می‌رسد و فرجام تلخ و ناتمامی برایش رقم می‌خورد؛ این کلیت مصیبت‌نامه است.

نخستین پرسشی که دال عنوان در ذهن رقم می‌زند، درباره محتوا و درون‌مایه اثر است. کدام مصیبت و چه حادثه تلخی برای عطار رخ داده که این عنوان را برگزیده است؟ درون‌مایه و پیام عطار در این اثر، بیان رنج و اندوه بشر در رسیدن به حقیقت مطلق است و غفلت و بی‌خبری، آفت این آگاهی و معرفت به شمار می‌رود. حیرت‌مندی، سرگشتگی، درد طلب داشتن، اندوه و سختی جانکاه، خستگی و عجز، از پیام‌هایی است که حول محور عنوان شکل گرفته و به تکامل رسیده است.

پرسش دیگری که عنوان ایجاد می‌کند، درباره شخصیت یا شخصیت‌های اثر است که این مصیبت برای چه کسی روی داده است؟ مخاطب با نگاهی پرسش‌گرا، به دنبال شناخت ویژگی‌های شخصیت اثر است و این پرسش را عنوان ایجاد می‌کند، پس دال عنوان، همانند جاده‌ای وسیع و پریپچ‌وخم، آرام‌آرام اما پرتنش، مدلول‌های وابسته به شخصیت اثر را نشان می‌دهد. سالک، شخصیتی است که با صفاتی از قبیل جان‌برلب‌آمده، دل‌شده، مضطر، بی‌قرار، سرگشته، سرنگون، اسراف‌کرده در طلب، سلطان دل، درویش‌زاد، شوریده، پاک‌اعتقاد، درمان‌طلب، نوحه‌گر، آتش دل و اهل فکرت آشکار می‌شود، دیدارهای خود را انجام می‌دهد و فرجام تلخ و بی‌پاسخی برای پرسش او رقم می‌خورد. سالک فکرت، حقیقت مطلق را جست‌وجو می‌کند، کاوشگری که تمامی منازل را طی می‌کند و پیمودن راه معرفت هدف اصلی اوست.

سالک آمد پیش کرسی دل‌شده خاک زیر پایش از خون گل شده
(عطار، ۱۳۸۶ [الف]: ۲۰۶)

سالک همچون موکل بر سری پیش میکائیل شد چون مضطری
(همان: ۱۸۰)

سالک آمد با دو چشم خون‌فشان چون زمین افتاد پیش آسمان
(همان: ۲۴۲)

سالک آمد چون شکر پیش نبات گفت ای سرسبزی‌ات آب حیات
(همان: ۳۰۶)

سالک آمد نه در و عقل و نه هوش وحشی‌آسا، تنگدل پیش وحوش
(همان: ۳۱۳)

سالک دل‌داده بی‌دل دلیـر پیش جن آمد ز جان خویش سیر
(همان: ۳۳۹)

لحن سالک راه، گاه ملتسمانه، گاه صمیمی و گاه آمیخته به رنگ خستگی و درماندگی است. ترکیب لحن‌ها نیز از بطن عنوان قابل مشاهده است.

سالک آمد نوحه‌گر در پیش نوح گفت ای شیخ شیوخ و روح روح
عالمی دردی و دریایی دوا آدم ثانی و شیخ انبیا
(همان: ۳۶۱)

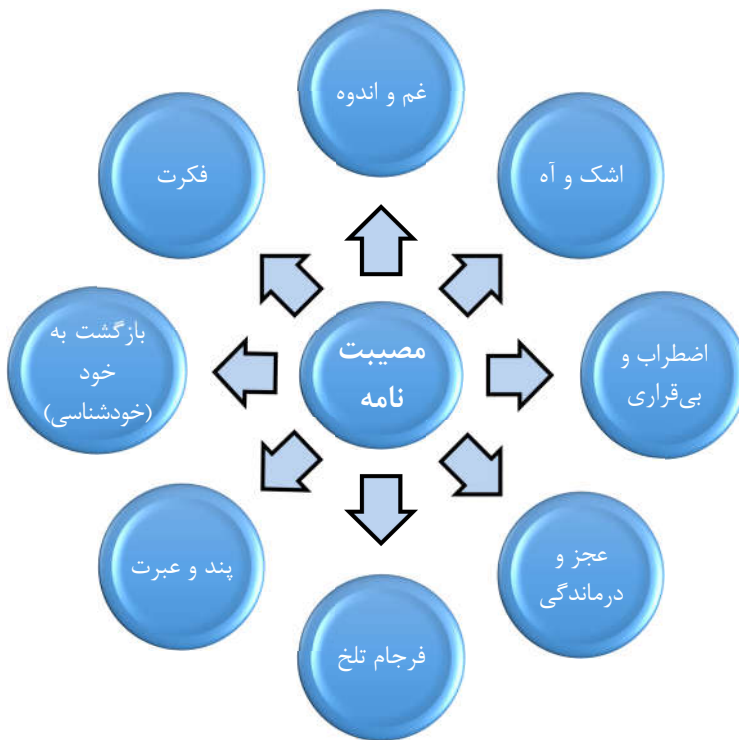
سالک فکرت، قهرمان بی‌بدیل این رویداد عرفانی و فاتح قلّه حقیقت مطلق است که اگرچه به ظاهر به مقصد نمی‌رسد، سیروسلوک معنوی و رفتار هدفمندانه و گفتار انگیزشی وی، او را مظفر مصیبت‌نامه می‌کند. فکرت صفت برجسته‌ای است که برای سالک انتخاب شده و به‌صورت ضمنی این معنا هم در واژه‌نامه و هم مصیبت وارد شده، بدون شک در نظرگاه عطار، اخبار مهم و مصیبت‌های عرفانی برای شخصیتی که اهل فکرت است رخ می‌دهد. این معنا نشان می‌دهد که عنوان با متن، ارتباطی موازی داشته و گاه معناافزایی می‌کند.

سالک فکرت که در کار آمده ست نه ز عقل از دل پدیدار آمده ست
(همان: ۱۵۹)

نوع گفت‌وگوهای سالک به فراخور مخاطبش تغییر رنگ می‌دهد و به شکل‌های گوناگون اتفاق می‌افتد. احترام توأم با طلب، اضطراب همراه با عشق، گفت‌وگوهای او

را متنوع می‌کند. نستوه بودن سالک، برجسته‌ترین ویژگی اوست که می‌توان از لابه‌لای گفتمان‌های طولانی او دریافت کرد. پس واژه نامه در عنوان، به‌صورت پوشیده ویژگی‌های شخصیت سالک و قهرمان اثر، نوع لحن و ترکیب گفت‌وگوهایش را معرفی می‌کند؛ زیرا بدون شک نامه‌ای که عطار می‌نگارد و توأم با مصیبت و درد است، مخاطب برجسته و پویا می‌طلبد.

سالک صادق دم نیکو سرشت آمد از صدق طلب پیش بهشت
گفت ای خلوت‌سرای دوستان پای تا سر بوستان در بوستان
(همان: ۲۲۶)



شکل ۲: دال و مدلول‌های عنوان مصیبت‌نامه

مصیبت‌نامه پیچگاهی است که سفر پرانده سالک فکرت را ترسیم می‌کند و سرانجام این سفر، حیرت و ناکامی است. حوادث داستان نیز بسیار هیجان‌انگیز و تپنده

بوده و در کاوش رفتاری سالک و در گفتمان او قابل مشاهده است و اثر را جذاب می‌کند. انتظار همراه با جست‌وجو، دیدارهای سرشار از اضطراب و نگاه‌های توأم با التماس سالک، برترین نشانه‌هایی هستند که در لابه‌لای حوادث روایت نشسته‌اند.

سالک سلطان‌دل درویش‌زاد با سری پُر خاک آمد پیش باد
گفت ای جان‌پرور خلق آمده همدم و پیوسته خلق آمده
(همان: ۲۶۸)

۶. تحلیل نشانه‌شناسی عنوان اسرارنامه

اسرارنامه از دو واژه اسرار و نامه تشکیل شده است. اسرار جمع سَر، نشانه‌ای است که رنگ معما به عنوان می‌بخشد، فضایی مه‌آلود در مدخل اثر به وجود می‌آورد، مخاطب را برای ورود به این مه معناآفرین آماده و ذهنش را به نیروی طلب و جست‌وجو مجهز می‌کند.

واژه اسرار، دالی است که به معناهای ضمنی دیگری از قبیل پنهانگی، پوشیدگی، محرمانه بودن، کتمان مطلب و امری اشاره می‌کند. نامه‌ای انباشته از رازگونی، چیزهای شگفت و عجب‌آفرین. نامه، نشانه‌ای است که به معناهای مهم بودن، خبرانگیزی و دستورمند بودن اشاره دارد و در این جایگاه با توجه به واژه اسرارنامه، محتوای نامه تا حدودی آشکار می‌شود. پس عنوان *اسرارنامه* نشانه‌ای است که نقش تکمیلی دارد و به موازات متن، مخاطب را در پیچ‌وخم رازهای ذهن عطار همراهی می‌کند.

اما محتوای *اسرارنامه* به سمت‌وسوی بیان مطالبی از جمله عشق و لاابالیگری عشق، حیات‌بخش بودن عشق، تمامیت‌خواهی عشق، برتری‌جویی عشق بر خرد و مبارزه با نفس و هواپرستی و درباره پیری، آخرت، آفت‌های نفسانی، مزیت سکوت و خاموشی، صبوری و شکیبایی، زیبایی‌های عالم غیب، شادی‌های پایدار بهشت، اعتبار و ارزش بیداری در شب و سحرگاه حرکت می‌کند. این‌ها همه اسراری است که عطار در پرده سخن خود به تصویر کشیده و رنگین‌کمانی از معانی بکر و شیرین در عنوان ترسیم می‌کند.

جهان پرشحنه سلطان عشق است ز ماهی تا به ماه ایوان عشق است
(اسرارنامه، ۱۳۸۶ [ب]: ۱۱۱)

دو عالم سایه خورشید عشق است دو گیتی حضرت جاوید عشق است
(همان: ۱۱۲)

عظمت عشق، جاودانگی و گرمابخش بودن عشق همگی در کلام شورآفرین عطار، جنبشی پایدار ایجاد کرده و مفاهیمی جاویدان حک کرده است.

خرد نقد سرای کائنات است ولیکن عشق اکسیر حیات است
خرد زاهدنمای هر حوالی است ولیکن عشق شنگ لایبالی است
(همان: ۱۱۰)

در این ابیات، عشق به عنوان اکسیر حیات بخش و شنگ لایبالی رخ نمایی می کند و متناسب با واژه اسرار است که عنصر عشق را به مثابه بزرگ ترین و رمز آمیزترین عناصر خلقت همراهی می کند.

ز خاموشی است بر دست شهان باز که بلبل در قفس ماند ز آواز
اگر در تن زدن جانت کند خوی شود هر ذره ای با تو سخن گوی
چو چشمه تا به کی در جوش باشی که دریا گردی از خاموش باشی
(همان، ۲۲۶)

در فضیلت خاموشی همین بس که رمز رسیدن به وصال و عزتمندی است. گذرگاه خاموشی، چشمه را به دریا بدل می کند. سکوت و خاموشی لبریز از راز و رمز از دیگر پندهای عطار است که در نشانه عنوان، قابل نمود است.

فروتن شو، خاموشی گیر پیشه درین هر دو صبوری کن همیشه
تو را می صبر باید کرد حاصل که گفت «الصبر ایاماً قلائل»
(همان: ۲۲۸)

اندرزهای نیکوی عطار در قالب لحنی پدران و مهرآمیز، تلخی صبر را به شیرینی بدل می کند. تواضع، لب فرو بستن، شکیبایی، داروهایی است که عطار به طالب راه عطا

می‌کند. این دُرهای گران‌بها همان مدلول‌هایی است که در دال‌های عنوان نشسته و گلچینی از معانی را به ظهور رسانیده است.

با توجه به موج معانی که در متن ایجاد شده و عنوان فقط اشاره‌ای بدان دارد، می‌توان ادعا کرد که عنوان در نقش یک عنصر تکمیل‌کننده و زینت‌بخش ظاهر می‌شود و مخاطب با خوانش آن، انگیزش ورود به متن می‌یابد و از مدخل عنوان به دریای متن می‌رسد.

موضوع مثنوی *اسرارنامه*، نفس‌شناسی، بیان تحقیر علایق دنیوی، تحسین ارزش‌های معنوی و عرفانی و رسیدن به فناء فی الله است که هدف والای عطار در این مثنوی قلمداد می‌شود. عنوان *اسرارنامه*، در برخورد با این موضوع، معماگونه رفتار کرده و حرکتی موازی و مستقیم اما پوشیده با متن دارد. اگرچه پوشیده بودن اسرار خود بر بار هیجانی اثر افزوده و انسان طالب اسرار را به کاوش و سیر در دریای *اسرارنامه* وادار می‌کند.

عزیزا گر بمیرد نفس فانی دل باقیست یابد زندگانی
بمیر از خویش تا یابی رهایی که با مرده نگیرند آشنایی
(همان: ۱۳۱)

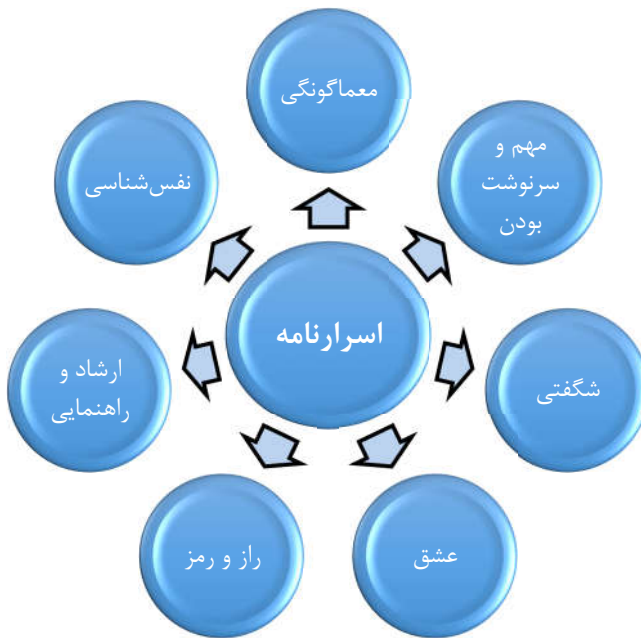
انسان‌شناسی، مذمت نفس و تأکید بر نفس‌گشی در لفافه سخن عطار، بارها خودنمایی کرده و از اسرار نهفته در عنوان رونمایی می‌کند.

لحن عطار در تمامی مقاله‌های *اسرارنامه*، لحنی مخاطب‌محور، انگیزشی، تنبیه‌برانگیز، پندآمیز و آمیخته با امید و شادی است. در بیان ویژگی‌های عشق، لحنی کمال‌گرا و در بیان ارزش‌های سحرخیز بودن، لحنی تأکیدی و تحکمی دارد. صمیمیت و دلسوزی همراه با امید در لایه‌های درونی اثر قابل تحسین است. نقش عنوان در بازنمایی لحن و گفتمان متنوع عطار، تکمیلی و تزئین‌کننده است.

فرشته گر ببیند جوهر تو دگر ره سجده آرد بر تو

نه مسجود ملاوک جوهر توست؟ نه تاجی از خلافت بر سر توست؟
خلیفه زاده ای گلخن رها کن به گلشن شو، گداطبعی قضا کن
(همان، ۱۵۷)

گوناگونی لحن‌ها در این ابیات که ترکیبی نوین از تحکم، تنبه، غرورآفرینی و کمال‌گرایی ایجاد کرده، زینت‌بخش کلام عطار شده است.



شکل ۳: دال و مدلول‌های عنوان اسرارنامه

۷. تحلیل نشانه‌شناسی عنوان الهی‌نامه

الهی‌نامه از دو واژه الهی و نامه تشکیل شده است. واژه الهی، نشانه‌ای است که معناهای دعا، خواهش، طلب، نیایش، مناجات، بی‌قراری، عظمت و شکوه را بیان می‌کند. در رویکرد به متن، این مدلول‌ها قابل برداشت است و محصول اندیشه ذهنی عطار را بارگذاری می‌کند. نامه نیز معانی خبرآفرین بودن، آگاهی‌افزایی، اطلاع‌رسانی، مهم بودن، عرض خواسته و طلب را نشان می‌دهد. در یک نگاه، ارتباط عنوان با کلیت

متن، معنا‌افزایی است و عنوان جلوتر از متن حرکت کرده و دامنه معنایی گسترده‌ای را ایجاد کرده است.

در *الهی‌نامه*، مناظره پدر (خلیفه) با شش فرزند پسر خود بیان شده و در لابه‌لای این مناظره، خواسته‌ها و آرزوهای شش پسر که عبارت است از ازدواج با دختر شاه پریان، آموختن سحر و جادو، جام جم، آب حیات، انگشتر حضرت سلیمان و کیمیا مطرح شده است. در این اثر، دیدگاه عطار درباره مسائل اخلاقی-اجتماعی بیان می‌شود و در زیر لایه‌های آن، نکوهش نفس و دنیاپرستی پیاده شده و این پیام که انسان در بیان آرزوها و خواسته‌های مادی و معنوی خود، به قدرت برتر عالم، خداوند توسل می‌جوید و خواسته خود را بر آستان او عرضه می‌دارد.

بار معنوی واژه الهی، ارتباط مستقیم با درون‌مایه دارد؛ بنابراین *الهی‌نامه* نشانه‌ای است که با درون‌مایه اثر، نفی دنیازدگی و جستن حقیقت در اندرون خود، هم‌سویی پنهانی دارد و با کالبدشکافی آن می‌توان به اندرونی محتوا رهنمون شد. نقش معناآفرینی و مکمل عنوان در روشن شدن پیام‌های اثر انکارناپذیر است.

با مطالعه مدلول‌های حاضر در متن می‌توان پیوند ظریف عنوان با شخصیت‌های اثر را کشف کرد. پیر در نقش پدر، خواسته‌های فرزندان خود را می‌شنود و در پاسخ بدان‌ها، ناپایداری آرزوها و خواسته‌های انسانی را گوشزد می‌کند و با کلیدواژه الهی، توصیه می‌کند که برای نجات از نفسانیت و خواسته‌های ناچیز دنیوی باید اله خود را خواند.

اجتماع شش فرزند و حضور گروهی آن‌ها، نشانه اهمیت و اعتبار جمع در مناجات و درخواست آرزو از خداوند است و این معنا که مناجات‌های گروهی به اجابت نزدیک‌تر است را تبلیغ می‌کند؛ اگرچه نباید در خواسته‌ها زیاده خواه بود. ازدواج، آب حیات، انگشتر فرمانروایی، سحر و جادو، همگی نشانه‌هایی هستند که در پیوند با واژه اله در عنوان، زنجیره پیوسته‌ای از خواسته‌ها را مطرح می‌کنند و تناسب خواسته‌ها با جایگاه اجتماعی افراد را یادآور می‌شود. شش فرزند پسر، نشانه طبقات گوناگون

اجتماع، با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متفاوت هستند که همگی نیاز به پیر و مرشد دارند. افراد انسانی که شیفتگی به آرزوهای طولانی آمیخته با خیال، بارزترین وجه اجتماعی آن‌هاست؛ بنابراین این مدلول‌ها در تقویت دال‌های عنوان موفق عمل کرده‌اند.

پدر یا خلیفه در متن اثر، نقش پیر یا راهنما را دارد و این مدلول با عنوان *الهی‌نامه* که انباشته از فضایی معنوی و عرفانی است، هم‌سویی می‌کند. اله بار معنایی معنوی را تداعی می‌کند و پدر و خلیفه تکمیل‌کننده این معنا هستند. خلیفه (پدر)، پسران خود را صاحب همت و علم، پادشاه‌زاده و خلیفه‌زاده می‌خواند و آن‌ها را مورد ستایش قرار می‌دهد و با لحن محبت‌آمیز همراه با احترام و تکریم درصدد تبدیل صفات آن‌هاست. پس خلیفه، نشانه‌ای است که در محور جانشینی، دال‌های عنوان را تقویت کرده است. پدر بنشان‌شان یک روز با هم که هریک واقفید از علم عالم خلیفه‌زاده‌اید و پادشاه‌اید شما هریک ز عالم می‌چه خواهید (عطار، ۱۳۸۶ [ج: ۱۱۲])

شش عددی است که با ظرافت انتخاب شده تا با افزوده شدن پیر و خلیفه بدان، عدد هفت حاصل شود. عدد هفت در عرفان دارای تقدس و بار معنایی مثبت و معنوی است. بنابراین با اجتماع پدر و شش پسر، هفت شخصیت در اثر حاضر می‌شوند و امید عطار برای رسیدن به آرزویش (جستن حقیقت در خویشتن خویش) را بیشتر می‌کند. در ورای آرزوهای شش‌گانه مطرح‌شده در *الهی‌نامه*، معانی عرفانی وجود دارد که با واژه اله در عنوان ارتباط داشته و معناهای عنوان را تقویت می‌کند.

مطرح شدن مسئله ازدواج به عنوان یکی از نیازهای بشر در *الهی‌نامه* و قرار گرفتن در زیر چتر واژه وسیع اله، معنای عرفانی تمایل انسان به اصل خویش در ماورا را به ذهن متبادر می‌کند. زوجیت یافتن آنگاه که با اکسیر اله مماس می‌شود، تأویل عرفانی یافته و همان وصال به معشوق آسمانی و رجوع به ملکوت را بازآفرینی می‌کند. چنان‌که در دیگر متون عرفانی نیز، ازدواج و محبت مرد به زن و بالعکس، نشانه‌ای از علقه و پیوند انسان به وطن مألوف خویش و وصال با محبوب حقیقی است (فیرزوی،

(۱۳۹۴: ۱۱۶).

ولیکن چون رسد شهوت به غایت ز شهوت عشق زاید بی‌نهایت
ولی چون عشق گردد سخت بسیار محبت از میان آید پدیدار
محبت چون به حد خود رسد نیز شود جان تو در محبوب ناچیز
(همان: ۱۴۴)

عطار زایش عشق و محبت را از بطن شهوت تأیید کرده و به برداشت عرفانی از ازدواج توجه داشته است. وی زمینه‌ساز عشق و محبت اله را دلدادگی به مخلوقات از جمله زن دانسته است.

سحر و جادو، در متون عرفانی، دو وجه بارز دارد: یکی جادوی سیاه و حرام نام دارد و دیگری جادوی سفید که ناجی بشر از شر شیاطین است (اقدامی، ۱۳۹۵: ۱۰). در بسیاری از موارد خداوند را صاحب سحر سفید دانسته‌اند. عطار نیز در *الهی‌نامه* به دو گونه سحر و جادو قائل است: سحر شیطانی و سحر حلال. وی توصیه می‌کند که برای رسیدن به کمال، سحر حلال از ملزومات سلوک است که دانایی و ایمان به بار می‌آورد و باید به این نیرو مجهز شد.

تو را در سینه شیطانی‌ست پیوست که گردد ز آرزوی جادویی مست
اگر شیطان تو گردد مسلمان شود سحر تو فقه و کفر ایمان
ز اهل خلد گردی جاودانه کند شیطان سجودت بی‌بهرانه
بیان کردم کنون سحر حلال کزین سحر است جاویدان کمال
(همان: ۱۲۰)

«جام جم» در عرفان، نشانه باطن و دل انسان کامل است و تجلیگاه اسماء جمالی خداوند (امامی، ۱۳۹۱: ۲۴). در *الهی‌نامه*، اصطلاح جام جم در دو معنای مادی و معنوی حضور یافته که در نوع اول خود، سبب ایجاد عجب و غرور در وجود انسان می‌شود و آنگاه که مفهوم عرفانی می‌یابد، حیات‌بخش است.

دلت قربان نفس زشت کیش است تو را زین کیش بس قربان که پیش است

تو را افراسیاب نفس ناگاه
چو بیژن کرد زندانی در این چاه
تو را پس رستمی باید درین راه
که این سنگ گران برگیرد از چاه
بر کیخسرو و روست دهد راه
نهد جام جمت در دست آنگاه
که تا آن جام یک یک ذره گردید
به رأی العین می‌بینی چو خورشید
(همان: ۱۸۳)

در این رویکرد، طلب کردن جام جم و مطرح شدن به‌وسیله عطار، مفهوم رندانه عرفانی خود را به دنبال دارد و پیوندی ظریف با عنوان اثر و واژه اله برقرار کرده است. بدان کان جام جم عقل است ای دوست
که مغز تو ست هم حس تو در پوست
هر آن ذره که در هر دو جهان است
همه در جام عقل تو عیان است
(همان: ۲۹۸)

جام جم در نگاه عطار همان جام عقل است که رؤیت هر چیزی در جهان را میسر می‌کند. پس باید جام جهان‌نمای عقل را به دست آوری تا به مقصود برسی. آب حیات در عرفان، چشمه‌ای است ازلی، منشأ حیات عالم هستی که بر یکی از ارکان عرش جاری است. سید حیدر آملی آب حیات را باطن اسم الحی می‌داند و معتقد است هرکسی به این اسم محقق شود، زندگی جاوید می‌یابد (آملی، ۱۳۶۸: ۳۸۱).

بدانست او به نور عقل هشیار
که هست آن آب علم کشف اسرار
اگر بر جان تو تابنده گردد
دلت کونین را بیننده گردد
اگر تو راه علم غیب دانی
شود خاک تو آب زندگانی
(همان: ۲۸۵)

آب حیات در بینش عطار، همان دانش کشف اسرار و علم غیب است که بصیرتی فرامادی به انسان می‌بخشد و رؤیت همه هستی را مقدور می‌کند. پس آب حیات یا علم غیب که زندگانی جاوید می‌بخشد و خود را زآمین است، با واژه اله در عنوان اثر، رابطه موازی دارد و تکمیل‌کننده و تاییدکننده یکدیگر هستند.

یکی دیگر از آرزوهایی که در این اثر مطرح می‌شود، دستیابی به انگشتر حضرت سلیمان است. انگشتری سلیمان در شعر عطار، نشانه قلب انسان کامل و عارف است که دیو و پری را مغلوب خود کرده است (جمالی، ۱۳۹۲: ۲۲). قابلیت چیرگی بر دیو و پری، اتحاد مضمونی این ابیات با عنوان را یادآور می‌شود؛ بنابراین در لایه‌های زیرین عنوان این معنا را می‌توان کشف کرد.

اگر حاصل کنی انگشتری باز به فرمان آیدت دیو و پری باز
(عطار، ۱۳۸۶ [ج: ۱۵۸])

در جایی دیگر عطار از انگشتری سلیمان، قناعت اراده کرده و هشدار داده که سلیمان به خاطر قناعت‌ورزی و اکتفا به زنبیل‌بافی به انگشتری پادشاهی رسیده است. قناعت رازی است که آموختن آن، راه رسیدن به مالکیت و کمال را هموار می‌کند. قناعت بود آن خاتم که او داشت به خاتم داشت آن عالم که او داشت
چنان ملکی از آنش بود صافی که قانع بود در زنبیل‌بافی
(همان: ۳۳۷)

کیمیا یکی دیگر از آرزوهایی است که عطار مطرح می‌کند. کیمیا در عرفان، مسیری برای دستیابی به رازورمز خلقت است و کیمیاگر، عارفی است که هدفی جز تکوین انسان کامل ندارد (نصیری محلاتی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). بنابراین آرزوهای مطرح‌شده، در شش ضلع الهی‌نامه، ارتباط نهانی و موازی با عنوان اثر دارد.

گر اکسیری کنی از جوهر خویش بود آن کیمیا از عالمی بیش
کنون گر عاقلی این کیمیا ساز دو عالم در ره این کیمیا باز
چنان از گوهر خود کیمیا کرد کز آن جوهر دو عالم پرضیا کرد
برو شد روشن از مه تا به ماهی بدو شد کشف اسرار الهی
(همان: ۳۸۸)

عطار جوهر وجود انسان را بهترین کیمیا معرفی کرده که روشنائی‌بخش هر دو عالم است و اسرار نهفته الهی را هویدا می‌کند؛ پس در کیمیای وجود انسان، مکشوف

شدن رازهای غیبی، حتمی است.

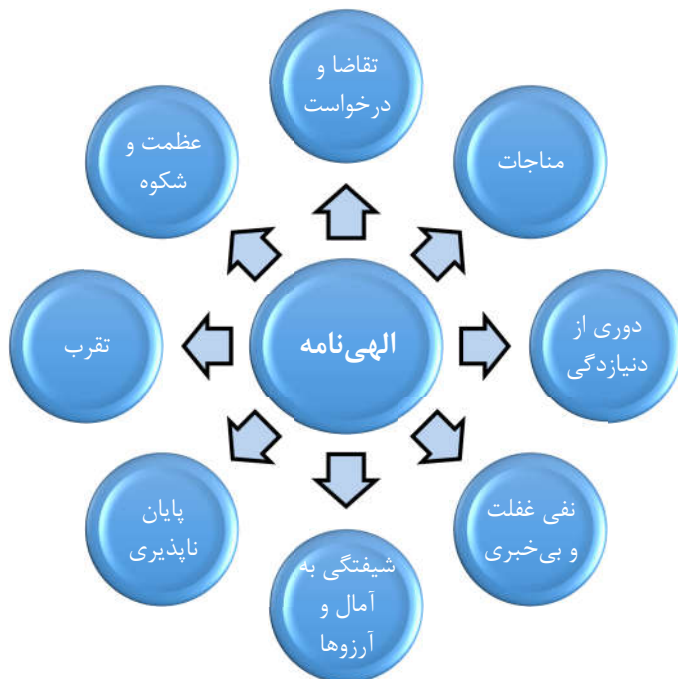
الهی نامه یک اثر شش ضلعی است که در هر زاویه از این شش ضلع، آرزوهایی نهفته شده که به ظاهر دنیازدگی را نشان می دهد، اما با حاضر شدن پیر، خلیفه و پدر که در رأس این شش ضلعی نزول می کند، مفاهیم بلند عرفانی خلق می شود که در زیر لایه های ظاهری الفاظ مدفون شده و پس از رمزگشایی از این خواسته ها، ارتباط آن با عنوان آشکار می شود؛ زیرا معنای نهفته در این مدلول ها از مجرای عنوان و به یثـره اله سرچشمه می گیرد؛ پس ارتباط عنوان با متن اثر، موازی، تکمیل کننده و معناافزاست.



شکل ۴: دال و مدلول های متن الهی نامه

پیر در نقش خلیفه در رأس این شش ضلعی حاکمیت دارد و به عنوان انسان کامل از اله عنوان تبعیت می کند. حاکمیت او اعتبار خود را از اله عنوان می گیرد. شش ضلعی با

کمترین مواد و بیشترین حجم ساختمانی ساخته شده و این شش ضلع نیز بیشترین معانی عرفانی را تبلیغ می‌کند.



شکل ۵: دال و مدلول‌های عنوان الهی‌نامه

۸. نتیجه‌گیری

عنوان به‌مثابه نظامی نشانه‌ای در مدخل هر اثر می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد و در ایجاد گستره‌ای از معانی و جذب مخاطب مؤثر واقع شود. در مثنوی‌های عرفانی عطار، دال عنوان در ارتباط با متن، طیفی از معانی پنهان را به وجود آورده که با خوانش مدلول‌های موجود در متن آشکار می‌شود. عنوان *منطق‌الطیر*، *مصیبت‌نامه*، *اسرارنامه* و *الهی‌نامه* با عناصر درون متن، ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارند. *منطق‌الطیر* یک عبارت قرآنی است و ارتباط بینامتنیت با قرآن دارد و دارای تقدس و ارزش معنوی است. شخصیت‌های پرندگان و محتوای عرفانی اثر همراه با گفتار، کنش و منش شخصیت‌ها، ارتباط زیبایی با عنوان برقرار کرده و حرکت موازی عنوان با این

مدلول‌ها در آشکار شدن معانی، مهم جلوه می‌کند. در اسرارنامه نیز عنوان نشانه‌ای است که مخاطب را به خوانش متن ترغیب کرده و زنجیره گسست‌ناپذیری از معانی عرفانی را در ذهن و اندیشه مخاطب جاری می‌کند. محتوا، حوادث و فراز و فرود اثر، با دال عنوان ارتباط دارد. عنوان مصیبت‌نامه، بارش معانی تازه‌ای را نوید می‌دهد. سالک فکر قهرمان روایت، کنش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی وی، در تابلو عنوان گنجانده شده و با مطالعه مدلول‌های وارفته در متن به اهمیت عنوان می‌توان پی برد.

الهی‌نامه نیز سرگذشت شش خلیفه‌زاده را بازنمایی می‌کند و خلیفه‌ای که راهنما و پیر شش پسر است. شش ضلع و شش زاویه *الهی‌نامه* مدلول‌هایی هستند که در دال عنوان می‌توان به ردپایی از آن‌ها رسید. با حضور پدر و خلیفه در کنار این شش ضلعی، معناهای ظاهری آرزوها مبدل شده و بار عرفانی می‌یابند و نقش پیر این ایجاد و تبدیل را رقم می‌زند. عنوان در این اثر، نقش معناافزایی و گسترش مفاهیم را دارد و به موازات متن حرکت کرده و تکمیل‌کننده است. ابهام موجود در دال عنوان، زیبا و مخاطب‌برانگیز است.

بنابراین در آثار عرفانی عطار، با نشانه‌شناسی عنوان، می‌توان به معناهای تازه‌ای رسید که در پیوست با یکدیگر محتوای عرفانی اثر را خلق کرده و وحدت‌آفرین هستند. اتحاد معنایی موجود در متن و عنوان، قدرت نشانه‌شناسی را افزون کرده و عنوان شکافی و رسیدن به عمق اثر را میسر کرده است. عطار در انتخاب عنوان، از تکنیک بینامتنیت و نمادپردازی بهره برده و عنوان با عناصر درون متن، ارتباط موازی و مکمل دارد و در معناافزایی و گسترش مفاهیم بکر عرفانی و اخلاقی سهیم است. عنوان به واسطه محور جانشینی به وسیله مدلول‌های متن تقویت شده است. همچنین تحلیل نشانه‌ها در محور هم‌نشینی نشان‌دهنده شبکه ارتباطی میان معانی است و در رسیدن شاعر به معناهای مورد نظر سهیم بوده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۷)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. آذرشب، محمدعلی (۱۳۹۶)، «نشانه‌شناسی عنوان قصیده (حفر علی یاقوت العرش) سروده محمدعلی شمس‌الدین»، مجله زبان و ادبیات عربی، دوره نهم، شماره ۱۶، ۲۵-۱۰.
۳. آملی، سید حیدر آملی (۱۳۶۸)، جامع الاسرار، تهران: انتشارات علمی فرهنگی وزرات فرهنگ و آموزش عالی.
۴. احمدی، بابک (۱۳۸۰)، از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران: مرکز.
۵. اقدامی، رضا (۱۳۹۵)، «سحر حلال (بررسی چپستی سحر در اندیشه مولانا)»، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، مجله علوم انسانی، دوره اول، تهران.
۶. اکبرپور، لیلا (۱۳۹۴)، «بررسی سطوح معنایی نشانه‌ها در منطق الطیر عطار با رویکرد به نشانه‌شناسی»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علم و تکنولوژی، ۱۹-۱.
۷. امامی، نصرالله (۱۳۹۱)، «اسطوره جام جم در عرفان اسلامی»، مجله پژوهش‌های ادبی عرفانی (گوهر گویا)، دوره ششم، شماره ۲۲، ۲۴-۱.
۸. ایمانیان، حسین (۱۳۹۲)، «بوطیقای عنوان‌شناسی نوشته‌های تصوف از آغاز تا قرن هشتم هجری»، مجله مطالعات عرفانی، شماره ۱۸، ۵۸-۲۹.
۹. بتلاب اکبرآبادی، محسن و رضی، احمد (۱۳۹۲)، «کارکرد روایی نشانه‌ها در حکایت رابعه از الهی‌نامه عطار»، متن‌شناسی ادب فارسی، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، ۲۷-۱۳.
۱۰. جمالی، شهروز (۱۳۹۲)، «بررسی و تطبیق شخصیت جمشید و سلیمان در مثنوی‌های عطار و دیوان حافظ و دیوان خواجه»، فصلنامه تخصصی تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، دوره پنجم، شماره ۳۵، ۳۶-۹.
۱۱. چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۲. حقیقی، مانی (۱۳۸۴)، سرگشتگی نشانه‌ها، تهران: قصه.
۱۳. دوسوسور، فردیناند (۱۳۷۸)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر هرمس.
۱۴. دینه سن، آنه ماری (۱۳۸۰)، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، آبادان: نشر پرسش.
۱۵. رشت بهشت، اشرف السادات (۱۳۹۵)، «عنوان‌شناسی در داستان‌های گلی ترقی و زویا پیرزاد»، همایش انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، دوره یازدهم.
۱۶. سجودی، فرزانه (۱۳۸۸)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: قصه.

۱۷. ضیمران، محمد (۱۳۸۲)، *درآمدی بر نشانه‌شناسی*، تهران: قصه.
۱۸. طایفی، شیرزاد و شیخ الاسلامی، محمد (۱۳۹۶)، «نقد نشانه-معناشناختی داستان شیخ صنعان در منطق الطیر عطار (با تکیه بر نظام‌های گفتمان)»، *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ششم، شماره ۱، ۵۰-۳۳.
۱۹. عامری، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۵)، «نشانه‌شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، دوره دوم، ۱۶۴-۱۴۳.
۲۰. العبدی، علی احمد (۲۰۰۹)، «عنوان فی قصص وجدان الخشاب»، *دارسات الموصلیه*، ۷۹-۵۹.
۲۱. عطار، فریدالدین (۱۳۸۶)، *مصیبت‌نامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چ ۲، تهران: سخن.
۲۲. — (۱۳۸۶)، *اسرارنامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چ ۲، تهران: سخن.
۲۳. — (۱۳۸۶)، *الهی‌نامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چ ۳، تهران: سخن.
۲۴. — (۱۳۹۵)، *منطق‌الطیر*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چ ۱۵، تهران: سخن.
۲۵. فیروزی، رضا (۱۳۹۴)، «تحلیل نمادین زوجیت و نکاح از منظر عرفان اسلامی با تأکید بر آرای ابن عربی»، *پژوهش‌نامه عرفان*، شماره ۱۶، ۱۲۱-۹۷.
۲۶. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹)، *بیولوژی نص*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، اندیشه اسلامی.
۲۷. کالر، جانانن (۱۳۸۸)، *در جست‌وجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، واساری)*، ترجمه لیا صادقی و تینا امراللهی، تهران: نشر علم.
۲۸. نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۱)، *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*، تهران: نشر نیلوفر.
۲۹. نصیری محلاتی، احمد (۱۳۹۳)، «نگرشی تطبیقی بر مفاهیم انسان کامل و کیمیا در حوزه عرفان با تکیه بر دیدگاه‌های عرفانی حکمت متعالیه و جابر بن حیان»، *فصلنامه حکمت صدرایی*، دوره هشتم، شماره ۲، ۱۶۸-۱۵۵.
۳۰. نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۸)، «نشانه‌شناسی عنوان در شعر احمد مطهر بر اساس دیدگاه سوسور»، *فصلنامه لسان‌المبین*، دوره یازدهم، شماره ۳۸، ۱۲۷-۱۰۳.
۳۱. ولی‌نیا، بهارک و بهنام‌فر، محمد (۱۳۹۶)، «عنوان‌شناسی تطبیقی نام سروده‌های دو مجموعه زمستان اخوان و المجد الاطفال و الزيتون البیاتی از منظر مکتب رمانتیسم»، *مجله زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۸۲، ۳۰۲-۲۹۷.

32. Eco U. (1976), *A Theory of Semiotics*, Bloomington and London: Indiana University Press.

33. Leo, H.H. (1981), *La marque du titre, dispositifs sémiotiques d'une pratique textuelle*, Newyork: Mouton publishers, the hague,